

# گناه

## راه‌کارهای دوری از

سلسله مباحث

## کنکاشی در انگیزه‌های حجاب

عزیز الله حیدری

کنکاشی در انگیزه های حجاب

مشخصات کتاب

سرشناسه : حیدری عزیزالله 1337 -

عنوان و نام پدیدآور : کنکاشی در انگیزه های حجاب/ مولف عزیزالله حیدری. مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران 1389.

مشخصات ظاهری : 32 ص 5/11×5/16 س م.

فروست : سلسله مباحث راه کارهای دوری از گناه.

شابک : 2500 ریال 978-964-973-242- ؛ 0052 ریال (چاپ اول) ؛8 0052 ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ اول : 1388.

یادداشت : چاپ سوم: 1390.

یادداشت : عنوان دیگر: حجاب.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : حجاب.

موضوع : حجاب اسلامی

موضوع : عفت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : /ح9ک9 BP230/179831

رده بندی دیویی : 297/636

شماره کتابشناسی ملی : 1869557

خانم ناکاتا کایولا می گوید: این اشتباه است که فکر کنیم زنان مسلمان خود را می پوشانند چون جزء اموال خصوصی شوهران شان محسوب می شوند؛ بلکه در واقع آنها با این کار شرافت، متانت و وقار خود را حفظ می کنند و از اینکه توسط بیگانگان تصاحب شوند، جلوگیری می کنند.

باید به حال زنان غیر مسلمان و زنان مسلمان لیبرال تأسف خورد که آنچه را باید بپوشانند، در معرض دید عموم قرار می دهند... زن آراسته به حجاب، به زیبایی فرشته است، پر از وقار و اعتماد به نفس؛ امّا تعصب که چشم دیگران را کور کرده است مانع از دیدن این زیبایی می شود.(1)

یحیی مازنی گوید:(2)

مدتی در مدینه، همجوار و همسایه امیرالمؤمنین علیه السلام بودم و نزدیک خانه زینب بودم، به خدا قسم نه شخص زینب را دیدم و نه صدایی از او شنیدم.

هرگاه قصد زیارت قبر جدّش رسول خداصلی الله علیه وآله را داشت، شب می رفت، در حالی که امام حسن علیه السلام از طرف راست و امام حسین علیه السلام از طرف چپ و امیرالمؤمنین علیه السلام از جلو می رفت و چون نزدیک قبر شریف می شد، امیرالمؤمنین علیه السلام زودتر می رفت و چراغ ها را خاموش می کرد.

یک مرتبه امام حسن علیه السلام از سبب آن سؤال کرد:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: می ترسم کسی به خواهرت زینب نظر کند.

این موضوع مسلم است که وقتی سقفی را بر پایه های محکم تری بنا کنیم، دوام بیشتری خواهد داشت. در مسائل اعتقادی و التزامات دینی نیز وقتی شناخت و آگاهی بیشتری پیدا کردیم علاقه به آن بیشتر می گردد و در نتیجه عمل و التزام با دوامی شکل می گیرد و اکنون نیز که عقاید و دستورات دینی به شدت، از ناحیه دشمن و یا عقب نشینی معتقدین دچار آفت می گردد و تزلزل هایی در پیش است، بهتر است در جستجوی تعمیق این مسائل باشم. گرچه از آن مقوله و از جمله حجاب زیاد گفته شده باشد.

ما برای حجاب از معیارها و فوایدی؛ چون، امنیت، مصونیت یا وقار و سابقه تاریخی و یا نشانه ملّی و از دیدگاه روانشناسی(3) و حتی گاهی به عنوان زینت زن(4) استفاده می کنیم. امّا با همه خوبی هایی که در این موارد وجود دارد و بعضاً از قرآن هم استخراج شده(5) و ما هم معترفیم ولی بحث مهم تر در تحلیل انگیزه هاست؛ مثلاً امنیت و مصونیت و مورد آزار قرار نگرفتن

یکی از مواردی است که در فواید حجاب بارها تجربه شده است و اگر کسانی بگویند امروز امنیت اجتماعی زن تأمین شده، سخنی پذیرفته شده نیست و حتی امنیت فردی زن تأمین نیست و حجاب می تواند در این مسأله نقش بسیار خوبی را ایفا کند. چنان که طبق گزارش های موجود اکنون در بعضی کشورهای اروپایی نوعی اسپری تولید می شود که بیشتر خانم ها در کیف خود دارند و در مواجهه با مزاحمین به صورت آنها می پاشند و فرد مزاحم تا به خود بیاید و از اثر اسپری راحت شود زنان از معرکه می گریزند و حتی آمار بسیار بالای گرایش زنان در اروپا به اسلام به خاطر امنیتی است که در حجاب احساس می کنند.(6)

امّا چنان که گذشت:

می خواهیم در پی آن باشیم که چگونه حجاب را ارزیابی کنیم تا این عمل در ما با علاقه، التزام، دوام و حتی دفاع همراه باشد که این کار با تحلیل هدف و انگیزه حجاب حل می شود. بلکه منحصراً تحلیل انگیزه حجاب؛ زیرا انگیزه و هدف متفاوتند. هدف به مقاصد بیرونی نظر دارد و انگیزه به گرایش ها و مقاصد باطنی. چون گاهی به جمع آوری و تنظیم مصالحی می پردازیم و هدف خانه ساختن است ولی انگیزه چیز دیگری مثل خودنمایی و افتخار می تواند باشد.

در بحث حجاب، مبنا و انگیزه را بهتر تحلیل می کنیم تا به ایمان و عشق بیشتری بینجامد که در راه مستقیم و بر صراط پایدار شویم و سقوط نکنیم؛ چنانچه قرآن می فرماید:

«وَإِنَّ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْأَخِرَهِ عَنِ الصِّرَاطِ لَناکِبُونَ»؛(7)

آنان که نسبت به قیامت ایمان نیاورده اند، از صراط کناره گرفته و منحرف می شوند.

بر طبق این آیه تنها اعتقاد به قیامت کافی نیست؛ بلکه

عشق و ایمان لازم است. به عبارت بهتر گاهی «حرکت و فوایدش» را توضیح می دهیم و گاه به «محرک» می پردازیم. چنان که وقتی از امام و خوبی هایش می گوییم، خوب است امّا اگر امامت و ضرورت نیاز را به نظام امامت تحلیل کنیم تفاوت می کند و ارتباط عمیق تری ایجاد می شود.(8)

## امّا هدف از حجاب چیست؟

1هدف حجاب، همان عفت می باشد که در حدیث هم آمده است که زکات جمال (زیبایی) عفت است.(9) و در این بینش عفاف، خود می تواند زینت باشد چنان که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«العفاف زینه النساء».(10)

عفت، خودنگهداری از آنچه مورد نهی خداست و شامل هر آلودگی؛ حتی جلوه ها و حرکات سبک نیز می شود و البته عفت غیر از تقوی می باشد؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه وآله هنگامی که از امتیاز دو دختر (درباره موضوع خواستگاری برای شخصی که متحیر است) سؤال می کنند؛ یک بار می پرسند: کدام باتقوی ترند؟ و در سؤال بعدی می فرماید: کدام عفیف ترند؟

همچنین از لابلای روایات چنین فهمیده می شود که عفت وظیفه ای عمومی است و شامل هر دو جنس از زن و مرد است. ولی شکل و مقدار آن متفاوت است؛ زیرا پوششی که برای خودکار و مداد لازم است برای عینک به کار نمی بریم؛ مداد در جامدادی حفظ می شود و عینک در کیف عینک پوشانده می شود.

به این حدیث توجّه کنید:

لیس للرجل ان یکشف ثیابه عن فخذیه و یجلس بین قوماً؛(11)

نباید مرد لباس را از ران هایش کنار بزند در حالی که بین مردم نشسته است.(12)

و در حدیث دیگر می خوانیم:

اذا تعری احدکم فنظر الشیطان فطمع فیه فاستتروا؛(13)

آنگاه که یکی از شما برهنه می گردد شیطان به او می نگرد و طمع می کند، پس خویش را بپوشانید.

این حدیث، پوشش را، حتی در

تنهایی امری لازم می نماید.(14)

در دعای امام زمان علیه السلام می خوانیم:

تفضل علی النساء بالحیاء و العفه؛(15)

خدایا رحمت و لطف بزرگ خویش را شامل زنان گردان تا حیا و عفت ورزند.

و در حدیثی دیگر:

سبب العفه الحیاء؛(16)

علّت و سبب عفت، حیا می باشد.

با ترکیب این دعا و حدیث در می یابیم، حجاب که نمود و جلوه عفت است ریشه از نیرویی باطنی می گیرد که حجاب و عفت بر آن اساس به پا می ایستند. و آن نیروی باطنی حیا می باشد و حیا که خود مانع و رادعی برای بروز رفتارهای نادرست می باشد، از درک حضور بر می خیزد و این عمل ارزشمند چنین فهرست می شود:

حجاب، ریشه در عفاف

عفاف، ریشه در حیا

و حیا، ریشه در درک حضور دارد.

(از کسی حیا می کنیم که حضورش را حس می کنیم) شناخت از وجود کسی که ناظر ماست و بر نیک و بد اعمال ما آگاه است. حیا همان است که ما وقتی در حضور بزرگی هستیم، مواظبت هایی را در وجودمان می آورد و از بدی ها و ناشایست ها کنار می زند(17) این درک حضور نتیجه شناخت است. شناخت از جایگاهی که بی حساب نیست و اگر هستی را خالی از خدا و نور او بدانیم دیگر هیچ معیاری نیست. آنجا که بصر نیست چه خوبی و چه زشتی. در شهر نابینایان چه لباس بر تن کنی و چه عریان باشی فرقی ندارد. و حال آنکه همه چیز به حضور خدا شهادت می دهد و هستی رو به سوی او دارد.

«إِنّا للّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»(18)

انسان نیز باید روی به سوی او آرد تا هدایت یابد که هدایت از اوست. قرآن از حضرت ابراهیم علیه السلام نقل می کند:

«إِنِّی ذَاهِبٌ إِلَی رَبِّی سَیَهْدِینِ»؛(19)

من به سوی

خداوند رونده ام و او مرا هدایت می کند.

همه عوالم، از دنیای جنین (جنین مادر) گرفته تا دنیا و بهشت همه، راهی به سوی خداست (یعنی سه مرحله را طی می کنیم دنیای جنین، خودِ دنیا و دنیای آخرت) اینها همه مسیر است.

علی علیه السلام فرمود:

الدنیا دارُ ممَرکُم؛(20)

دنیا جای عبور است و جای استقرار نیست.

حالا که فهمیدیم دنیا راهی به سوی خداست و او در این مسیر قواعد و قوانینی را وضع کرده که با رعایت آن به ملاقات حقّ می رسیم، آیا می توانیم با لباس و مو و اندام خودمان سنگی و مانعی در راه خلق خدا باشیم؟ آیا می توانیم گرد و خاک به پا کنیم و مانع دیدن راه بشویم.

آیا می توانم با زیبایی هایم سدّ راه بندگان خدا به سوی او بشوم و آیا در این صورت طاغوت نخواهم بود؟

و حال آنکه بنابر رهنمود مکتب، وظیفه داریم به سوی خدا جذب کنیم.

واجعلنا من الدعاه الیک؛

مرا از کسانی قرار بده که مردم را به سوی تو می کشاند و به تو دعوت می کند.

آیا در صورت خودنمایی، من دیگران را به خویش دعوت نکرده ام؟

اینجاست که مقدار حجاب فقط در پوشش محدود نمی شود؛ بلکه حتی مواظبت و مراقبت از صدا و حرکات را در بر می گیرد که صدایی از زینت ها نیز برنخیزد،(21) تا دلی نلغزد و چشم راه خطا نپیماید و قلبی فاسد نگردد. چون درباره قلب فرموده اند:

القلبُ مُصحفُ البصر؛

قلب کتابی است که با صادرات چشم نوشته می شود.

چشم، رسول قلب است و دل با صادرات چشم به سقوط و صعود و یا به رشد و زیان کشیده می شود.

قلبی که باید خانه خدا و جایگاه عشق و محبّت به اولیاء او باشد، نباید به

وسیله کارهای من، خالی از حقّ و یا مضطرب گردد.

بیهوده نیست که می بینیم درباره حضرت فاطمه علیها السلام گفته اند در کوچه چنان راه می رفت که نمی دانستی می آید یا می رود! البته این مواظبت به خاطر شدت حساسیتی است که در خصوص زنان موجود است و الّا جامعه مردان نیز باید تقوای خویش را تقویت کند.

از امام صادق علیه السلام سؤال می شود که چرا باید زنان موی خویش را بپوشانند؟

می فرماید: زیرا باعث تهییج هوای نفس می گردد. «لما فیه من تهییج الرجال»(22)

درباره صدای زن، قرآن می فرماید:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»؛(23)

در صدای خویش نرمش نیاورید.

به همین خاطر است که درباره علی علیه السلام گفته اند: کراهت داشت اوّل ایشان به زنان جوان سلام کنند. مبادا که صدایش به شگفتی آورد و چیزی بیش از اجری که طلب نموده است بر او وارد گردد.(24)

همه این احساس های دقیق به این دلیل است که مؤمن به خاطر درک حضور خدا و علاقه قلبی خود به پروردگار، به مراقبت خویش می پردازد تا با قلبی سلیم خدا را ملاقات کند. این مراقبت از نظارت ایمانی بر می خیزد، چنان که از علی علیه السلام پرسیدند:

بما نلت؛

چگونه چنین شدی (به این مقام رسیدی)؟

فرمود:

کنت بواباً علی باب قلبی؛(25)

من پاسدار قلبم بودم.

2دومین چیزی که در تقویت بنیاد حجاب مؤثر است، همانا شناخت خریدار و ارزشگذار واقعی ماست.

می دانیم هر انسانی نیازمند مقبولیت است و این نیاز را با ابراز توانایی ها و استعدادهای خویش ثابت می کند. در این مسیر است که از ما خواسته اند عزیز باشیم و ذلیل نشویم. مؤمن، عزتمند است و به ابروی خود ارج می نهد؛ امّا از نظر اینکه کارهایمان به ریا آلوده نگردد اسلام به ما آموزش می دهد در کار خویش، جهت و هدف

پایین تر از خویش را انتخاب نکنیم که تنزل می کنیم و به مساوی خویش هم رضایت نمی دهند؛ زیرا تنوع است و باید جهتی بالاتر از خویش را برگزینیم که تحرک است و تعالی. ترقی ما فقط این در زمان است و در نماز آموخته ایم که آن جهت برتر کیست:

سبحان ربی الاعلی و بحمده؛

پاک است خدایی که برتر است و به سپاس او مشغولیم.

آری جهت برتر، پروردگار هستی است که نیاز ندارد و نامحدود است، اوست که در مقابل خریداران دیگر که جز چشمی طمعکار و زبانی ریاکار ندارند، ندا داده است:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ»؛(26)

خدا خریدار مال و جان مؤمنین است و بهشت را به آنان پاداش می دهد.

اوست که اجر هیچ عملی را ضایع نمی کند، با اینکه دیگران چیزی ندارند، همه فقیرند و او بی نیاز. در نهایت همه محتاج اویند.

دیگران یا نمی دانند، یا اگر می دانند، نمی توانند، یا اگر می توانند، بخیلند. یا اگر می بخشند، منت می گذارند و نتیجه می طلبند.

در حالی که خدا هم می داند که «علیم» است و هم نزدیک «اقرب الیکم» و هم می تواند که «قوی و عزیز» است. و هم داراست که «مالک» است و هم بخل ندارد که «رحمن» است و هم منت نمی گذارد که «رحیم» است و مهربان و ما هم که دوست دار چنین محبوبی هستیم، پس او را بر می گزینیم و به وعده های او دل می بندیم که باوفاتر از او کسی نیست:

«و من اوفی بعهده من اللّه»؛(27)

این چنین است که این ارتباط، مؤمن و بانوی با حجاب را به غنایی در نفس خویش و غروری(28) می رساند که:

هرگز برای مقبولیت، به عرضه اندام خویش نمی پردازد.

پس کسی که توی

سرش فکری زیبا دارد، با موی سرش جلوه نمی کند.

در دعای عرفه از امام حسین علیه السلام می خوانیم:

اللّهمّ اجعل غنای فی نفسی؛

خدایا روحم را غنی و مقتدر گردان.

این غنا چیست؟

در کلامی از امام حسن علیه السلام به معنا نزدیک می شویم:

فما الغنی؟ قال علیه السلام: رضی النفسِ بما قَسمَ اللَّه تعالی و ان قلَّ؛ (29)

سؤال شد غنی چیست؟

فرمود: رضایت نفس به آنچه خداوند در نظر گرفته است اگرچه کم باشد.

و از همین جا غروری و حصنی در زن پای می گیرد که همچون دیواری پولادین از عفاف پیرامون او ساخته می شود. این حالت را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین توصیف نمود:

انما مثل المرأه الصالحه کمثل الغراب الاعصم الّذی لا یکاد یقدر علیه؛(30)

همانا مثل زن صالحه مثل پرنده خویشتن داری است که کسی را یارای دستیابی بر او (از نامحرمان) نیست.

مسلم است که این خویشتن داری در برابر نامحرم است و عکس آن در زندگی مشترک مطرح است که آزادی در آنجا حدی ندارد و در ضمن برآورنده نیاز مقبولیت هم هست که تفصیل آن در کتبی که وظایف زناشویی را تعیین نموده آمده است.

خلاصه این شناخت آدمی را به محاسبه ای سوق می دهد که نه تنها به فکر جلوه نمی افتد بلکه بیشتر خود را می پوشاند و حوزه حجاب را گسترش می دهد تا خود توشه ای برای راه برگیرد و در یوم الحسره(31) دست خالی نیاید.

3بینش دیگری که از پایه های تقویت حجاب است، شکل نظام هستی در اسلام است، بینشی که بیانگر واقعیت هستی در نظر مسلمان است. جهان در نظرگاه دینی ما نظامی مرتبط و قانونمند دارد.(32)

همه چیز در دیگری تأثیر دارد و اصلاً دین برای تنظیم این روابط دقیق و پیچیده حاکم

بر هستی آمده است. زیرا که دست علم و تجربه و وجدان آدمی به وسعت آن نمی رسد و در نتیجه در این جهان مرتبط، یک فساد و یک بدی، یک بدی و فساد باقی نمی ماند. بلکه گسترش می یابد و حتی دریاها را آلوده می کند.

«ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النّاسِ»؛(33)

فساد و تخریب در خشکی و حتی دریا راه یافت با آنچه اعمال مردم کسب نمود.

آری این ارتباط چنان است که وقتی مقداری آجر را پشت سر هم به طور عمودی بچینیم و یکی از آنها را بزنیم همه آنها به یکدیگر ضربه می زنند و می ریزند.

پس اگر ما با کارهای خود فسادی آفریدیم، این فساد در خود نمی ماند و سرایت پیدا می کند و به همین دلیل عذاب ها نیز ضریب پیدا می کند. قرآن می فرماید:

«کُلَّما نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْناهُمْ جُلُوداً غَیْرَها لِیَذُوقُوا الْعَذَابَ»؛(34)

هرگاه پوست آنها بسوزد، پوست دیگری به جایش می رویانیم تا عذاب را بچشند.

چنین است که وقتی کسی یک نفر را کشت، گویی همه را کشته است و اگر یک نفس را زنده کرد گویی همه را زنده کرده است.(35)

بر همین اساس است که آن بینش بی خیال و بی مسؤولیت که در اخلاق اروپایی و مخصوصاً آمریکایی رشد کرده محکوم می شود؛ این بریدگی از مسؤولیت ناشی از همین بینش نسبت به جهان و جامعه ناشی شده تا جایی که مثل معروف نزد آنهاست که هر روز به کار می برند: problemThis is your؛ این مشکل شماست! که متأسفانه در بین ما هم شیوع پیدا کرده ولی ما می گوییم مشکل تو مشکل من هم هست.

چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:

کسی که صبح کند و در فکر مسائل دیگران

نباشد، مسلمان نیست.(36)

4معیاری دیگر، برای تکمیل انگیزه حجاب، آنسو نگری مؤمن و ایمان به قیامت و صحنه های حقیقی آن است. کسی که راه را با دنیا و مرگ تمام شده نمی داند به این آیه ایمان دارد و در دلش هراسی افکنده است که آن روز را که منکرین دور می بینند نزدیک می بیند.(37)

(چون برای خداوند که بر همه هستی احاطه دارد، دوری و بُعدی در پیش نیست) و مؤمن نیز به چنین بینشی دست می یابد و همه چیز را از دریچه تنگ دنیای مادی نمی بیند. در نتیجه مؤمن لذتی را که از گناه بر می خیزد با پیامدی در آن روز مشاهده می کند. گرچه هم اکنون و در دنیا نیز گناه، مجازات و گرفتاری دارد. آنچه ظاهرش دیده می شود باطنی دیگر از خود نشان خواهد داد، آن صورت ها که امروز زیبا می نمایند آن روز زشت می گردند و این شادی ها پیامد تلخی دارند:

«تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النّارُ وَهُمْ فِیها کالِحُونَ»؛(38)

روی هاشان را آتش می سوزاند و در آتش زشت می گردند.

و چنین است که به گفته امیرالمؤمنین علیه السلام خیری در چیزی که بعد از آن آتش باشد نیست و شری نیست در آنچه که بعد از آن بهشت است.(39)

چنین معتقدی که به وعده خداوند ایمان آورده و با پیوند به او به عظمت و غنای نفس رسیده است وجودش به بار می نشیند و تقوی شکل می گیرد. تقوی نیز او را به نوری می رساند که آنچه در نظر دنیا خواهان زیاد و طولانی است، بسیار کم جلوه می کند؛ چنان که تمام سال های زندگی روی زمین، یک روز یا قسمتی از روز شمرده شده:

«قالَ کَمْ لَبِثْتُمْ فِی الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِینَ * قالُوا لَبِثْنا یَوْماً أَوْ بَعْضَ

یَوْمٍ»؛(40)

تمامی درنگی که در زمین کردید چقدر بود؟

می گویند: روزی یا مقداری از روز... (بلکه درنگی بسیار کم نمودید (حتی کمتر از قسمتی از روز) اگر می دانستید).

آری دنیا در نظر این ایمان آورندگان آنقدر نیست که بتواند به مخالفت با خداوند وادارشان کند؛ زیرا که غیر خداوند در چشمانشان حقیر شده است؛ چنان که علی علیه السلام فرمود:

عَظُمَ الْخالِقُ فِی اَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ ما دُونَهُ فی اَعْیُنِهِم؛(41)

خداوند در دلشان بزرگ جلوه نموده، پس دیگران در نظرشان کوچک می نماید.

به همین دلیل، اینان در چشمان ولیّ خدا بزرگ شده اند و مورد نظر قرار گرفته اند. آن وصفی را که امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره شان فرمود:

مرا برادری بود که او در نزدم بزرگ بود؛ زیرا دنیا در چشمانش حقیر می نمود.(42)

5عامل پنجمی که به عنوان عاملی سیاسی به آن نگریسته می شود عبارت از عنصر مقاومت است. در هر جامعه ای عناصری از مقاومت در مقابل دشمن و تهاجم وی هست. حجاب عنصر مقاومت است؛ زیرا در زمانی که دشمن می خواهد از طریق برهنگی و گسترش فساد، این عنصر مهم یعنی عفت و پاکی را که زمینه رشد استعدادها را فراهم می سازد را از بین ببرد، باید به محافظت این عنصر یعنی حجاب پرداخت.

چقدر شورانگیز است، اخباری که این روزها از مقاومت دختران و زنانی که در برابر زورگویان اروپایی و لاییک مقاومت می کنند، به گوش می رسد و حتی با اخراج از مدارس و ادارات نیز عقب نشینی نمی کنند.

درود بر این شیر زنان باد.

درود !

این اسوه استقامت حجاب را بخوانید

در مجله پرسمان آمده است: دختری به مؤسسه اسلامی نیویورک آمد و گفت می خواهم مسلمان شوم. رئیس مؤسسه دو بار او را رد کرد و گفت باید تحقیق کنی (این منظره چند سالی

است که بعد از انقلاب اسلامی تکرار می شود و جوانان زیادی به اسلام روی می آورند).

هنگامی که برای سومین بار آمد او را ردّ کردند. در این هنگام فریاد زد اگر مسلمانم نکنید می روم وسط سالن و فریاد می زنم و می گویم کسی به فریادم برسد... با شناخت آگاهی و اشتیاق او جشنی برپا شد و او مسلمان شد. بعد از این حرکت، خانواده مسیحی دختر، آزار و اذیت ها را شروع کردند و روز به روز بر سختی و فشار افزودند تا حدّی که کار به تهدید رسید و گفتند که باید از ظواهر دینی اسلامی دست برداری و بر این کار مجبوری.

مسؤولان مؤسسه ناچار با علما در ایران تماس گرفتند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که اگر خطر جانی او را تهدید می کند، اجازه دارد روسری خود را بردارد.

امّا دختر تازه مسلمان پرسید: اگر من روسری خود را برندارم و در راه حفظ حجابم کشته شوم آیا شهید محسوب می گردم؟

پاسخ شنید آری!

و دختر با صلابت و استواری گفت: به خدا قسم روسری خود را بر نمی دارم هرچند در راه حفظ حجابم جانم را از دست بدهم.(43)

چگونگی انتقال پیام حجاب به دختران نوجوان

1. نوجوان، مفاهیم اخلاقی و دینی را با داستان بهتر می پذیرد و می فهد، گرچه این ویژگی مخصوص همه گروه های سنی است و قرآن این دو شیوه را توصیه می نماید.

«فاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛(44)

قصه روایت کن شاید آنان اندیشه کنند.

یعنی مفاهیم و مطالب را در قالب حکایت بازگو کنید؛ چون جذاب تر و تأثیر پذیرتر می باشد و مخاطب بیشتر در مورد آن موضع می اندیشد.

2. کودک و نوجوان پیام و نکات دینی و اخلاقی را با شعر و جملات قافیه دار بهتر

به ذهن می سپارد. چنان که از حضرت زهراعلیها السلام نیز چنین روشی در آموختن مفاهیم دینی به فرزندان بزرگوارشان نقل شده است.

یک نمونه

به یک مدرسه دخترانه که گروه دبستانی و راهنمایی داشت دعوت شدم. از من خواسته شد که درباره حجاب برای آنان صحبت کنم !

ابتدا داستانی را که ریشه حقیقی هم داشت با جلوه های ویژه چنین بیان نمودم:

در زمان قبل از انقلاب روزی یک آقای روحانی کنار خیابان ایستاده بود. اتومبیلی توقف نمود و ایشان را دعوت به سوار شدن نمود.

روحانی سوار شد و همین که ماشین شروع به حرکت کرد، آقای راننده به عقب برگشت و گفت: آقا به نظر شما این وضیعت همسر من اشکالی دارد. سپس به همسرش اشاره نمود که بی حجاب (حتی یک روسری هم نداشت) و در صندلی جلو نشسته بود، و ادامه داد که چرا شما حجاب را توصیه می کنید؟

آقای روحانی گفت: کمی صبر کنید پاسخ شما را خواهم داد. اتومبیل مقداری راه رفت و نزدیک یک ماشین خراب و تصادفی که کنار خیابان پارک شده بود رسید.

ناگهان آقای روحانی گفت: این ماشین را چرا اینجا رها کرده اند؟

راننده جواب داد: خوب خراب و بی ارزش است، بعد خودم به بچه ها گفتم: بچه ها آن اتومبیل چون خراب بود، پس اسم آن را می گذاریم ماشین مشتی مندلی نه بوق داره نه صندلی، سپس به طور آهنگین گفتم: تکرار کنید: ماشین مشتی مندلی، نه بوق داره نه صندلی، در ادامه گفتم: بچه ها با اتومبیل آن آقا چند کیلومتر دیگر راه رفت تا آنکه دوباره به ماشینی قراضه که صاحبش آن را رها کرده بود رسیدند، آقای روحانی دوباره پرسش خود را تکرار کرد

و پرسید آقا! چرا این ماشین را اینجا رها کرده اند؟

راننده پاسخ داده خوب معلومه و من دوباره به بچه ها گفتم: بچه ها! اسم این ماشین چی بود؟ و با بچه ها همراه شدم و گرفتیم: ماشین مشتی مندلی، نه بوق داره نه صندلی.

اتومبیل با راننده و همسرش و آقای روحانی مقداری دیگر رفتند تا وارد شهر شدند و در کنار منزلی ماشینی را دیدند که صاحبش روی آن چادری کشیده بود.

ناگهان روحانی به راننده گفت: آقای محترم! راستی حالا این اتومبیل را نگاه کنید. چرا روی این ماشین را چادر کشیده اند؟ راننده گفت: خوب! این ماشین خوب و تمیز است و ممکن است طمع دزدها را تحریک کند و یا بچه ها روی آن خط بیندازند یا...

در این هنگام آقای روحانی گفت: خودتان جواب خودتان را دادید حجاب و چادر برای حفظ ارزش زن از بدخواهان است و به سرعت به بچه ها گفتم: بچه ها این ماشین خوب بود، پس ماشین مشتی مندلی، نیست. امّا بی حجاب کدام ماشین است؟ یک صدا گفتند: ماشین مشتی مندلی و ...

و با هم خواندیم:

ماشین مشتی مندلی

نه بوق داره نه صندلی

دختر خوب سر می کنه

با چادرش یا مقنعه یا روسری

دختر بد دوست نداره

با چادرش نه مقنعه، نه روسری

سپس تکرار کردیم و بچه ها نیز شروع کردند با دست روی میز زدن و با آهنگ ویژه خواندیم. ماشین مشتی مندلی و ...

با این روش مقدمه و کلیدی برای اندیشه حجاب زده شد، گرچه باید در آینده حجاب را با شناخت گره زد که حداقل چند پایه دارد.

1. شناخت ارزش زن

2. نظم و قانونمندی هستی و درک گناه

3. ادامه عمل

دنیا با وسعت آخرت

4. فساد اجتماعی بی حجابی

5. حجاب به عنوان عنصر مقاومت

6. و ... .

پی نوشتها

1) مجله پرسمان دانشجویی، شماره 58، تیرماه 1386.

2) کتاب زینب الکبری ص 642.

3) مثل کتاب «آیا حجاب ضرورت دارد» از دکتر شهریار.

4) البته نگارنده بر این نکته آگاه است که زینت در این شعر (ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است) چه چیزی اراده شده؛ ولی در واقع بعضی از خانم ها از حجاب زینت ساخته اند و حال آنکه حجاب آمده بود تا زینت ها را بپوشاند، چنانکه قرآن فرمود: «و لا یبدین زینتَهُنَّ».

5) چنانکه قرآن می فرماید: «... ان یعرفن فلا یوذین؛ حجاب امنیت می آورد؛ زیرا از اذیت در امان خواهند بود». سوره احزاب، آیه 59.

6) کتاب دکتر اردوبادی، نگاه های آلوده به زن.

7) سوره مؤمنون، آیه 74.

8) تفاوت احساس خودتان را زمانی حس می کنید که زمانی روایتی از فضیلت امام علیه السلام را می خوانیم و در وقت دیگر روایت مباحثه هشام با عمرو بن عبید را مطالعه می کنید که می بینیم امام به قلب در اندام آدمی تشبیه می شود. (اصول کافی باب حجت) سپس هشام به خصم می گوید: چطور در موقع تردید حواس پنجگانه، مرکزی هست که به آن رجوع کنی و تردیدت برطرف شود؛ امّا در هستی با همه پیچیدگی هایش، امامی (آگاهی) نباشد که مورد رجوع قرار گیرد؟

9) میزان الحکمه، ج 6، ص 359، چاپ قدیم.

10) نهج الفصاحه، حرف ز، ص 361.

11) وسائل الشیعه، ج 3، ص 353.

12) این می تواند جواب سؤال خانم هایی باشد که می گویند: آیا حجاب مخصوص زن است؟ و یا اینکه چرا باید فقط ما زن ها رعایت پوشش را بکنیم؟

13) همان.

14) البته خواننده محترم زمینه این حدیث را

از حقوق همسران تفکیک می نماید.

15) مفاتیح الجنان، دعای امام مهدی علیه السلام، صص 194 - 193.

16) میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج 4، ص 255.

17) حیا با خجالت فرق می کند، خجالت ملازم با کسالت و ناتوانی و کمی تحرک در جهت مطلوب است، امّا این حیا که در حدیث آمده یکی از چهار چیزی است که وقتی در کسی باشد گناهانش بخشیده و تبدیل به خوبی می شود: صدق، شکر، حسن خلق، حیا (پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، میزان الحکمه، ج 3، به نقل از بحار، ج 71، ص 332).

18) سوره بقره، آیه 156.

19) سوره صافات، آیه 99.

20) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 132.

21) سوره نور، آیه 31. زنان چنان راه نروند که زینت های پنهان آشکار شود.

22) علل الشرایع، شیخ صدوق رحمه الله ج 2، ص 796، ترجمه ذهنی تهرانی.

23) سوره احزاب، آیه 32.

24) میزان الحکمه، ج 3، ص 1351.

25) غرر الحکم، نقل به معنا.

26) سوره توبه، آیه 111.

27) همان.

این تکیه بر خدا از مهم ترین نتایجش این است که دیگر مؤمن برای رسیدن به مقصد از پای باطل بهره نمی گیرد؛ چرا که این سنّت حاکم بر هستی است که بار کج به منزل نمی رسد. دلیل این موضع گیری مؤمن

همان کلام نورانی است که می گوید: «من حاول امراً بمعصیه اللّه کان افوت بما یرجو و اسرع لما یحذر؛ کسی که بخواهد از راه نافرمانی و گناه به هدف خویش برسد برای نابودی آنچه در نظر گرفته بیشتر شتاب کرده و امید خویش را ضایع نموده است».(تحف العقول، ص 253، چاپ اسلامیه.

28) این غرور همان است که علی علیه السلام فرمود برای مرد عیب است ولی برای زنان خوب؛ زیرا محرکی

برای عفت در مقابل نامحرم است. (نهج البلاغه، کلمات قصار، 234).

نهج البلاغه، کلمات قصار.

29) تحف العقول، حرّانی، ص 228، چاپ اسلامیه.

30) به نقل از احادیث اهل سنت؛ زن در احادیث شیعه و اهل سنت، دهسرخی اصفهانی.

31) یکی از نام های قیامت در قرآن: «وَأَنذِرْهُمْ یَوْمَ الْحَسْرَهِ»، مریم/39.

32) الّذی اتقن کل شی ء»؛ آن خدایی که همه چیز از متقن و محکم آفرید، به عبارت دیگر قانونمند. (سوره نمل، آیه 88).

33) سوره روم، آیه 41.

34) سوره نساء، آیه 56.

35) سوره مائده، آیه 32.

36) میزان الحکمه، ج 4، ص 530، به نقل از بحار، ج 74، ص 339.

37) سوره معارج، آیه 7؛ «إِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیداً * وَنَرَیهُ قَرِیباً»؛ کافران، قیامت را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم.

38) سوره مؤمنون، آیه 104.

39) نهج البلاغه، حکمت 380.

40) سوره مؤمنون، آیه 114.

41) نهج البلاغه، خطبه متقین، خطبه 193.

42) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره، 289.

43) مجله پرسمان دانشجویی، شماره 69، مهرماه 1387.

44) سوره اعراف، آیه 176.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109